

پیکرستان

جلد اول

آشنایی با مفاهیم و روش‌های درمانی طب سنتی

دکتر علی محمد ملّاچیان
پزشک، محقق، مدرس طب سنتی
عضو انجمن علمی طب سنتی ایران

عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات حجامت ایران

مدیریت مؤسسه طب‌الرضای استان گلستان

عضو انجمن علمی هیپنوتیزم ایران

دارای مجوز ارائه خدمات طب سنتی از وزارت بهداشت و درمان

بهار ۱۴۰۲ هـ ش

سرشتاسه	: ملاحی، علی محمد، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: بیکرستان / علی محمد ملاحی
مشخصات نشر	: گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ج۲: مصور، جدول؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: دوره: 0-3041-02-622-978؛ ج۱: 7-3042-02-622-978؛ ج۲: 4-3043-02-622-978
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
مندرجات	: ج۱. آشنایی با مفاهیم و روش های درمانی طب سنتی - ج۲. طب عملی
موضوع	: پزشکی سنتی -- دستنامه ها
	--Handbooks, manuals, etc. Traditional medicine
رده بندی کنگره	: ۱۳۵R
رده بندی دیویی	: ۶۱۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۴۰۰۱۰۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

نام کتاب: بیکرستان - جلد اول (آشنایی با مفاهیم و روش های درمانی طب سنتی)

مؤلف: دکتر علی محمد ملاحی

ویراستار و صفحه آرا: مرضیه یازرلو

ناشر: نوروزی - گرگان

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲ش

مشخصات ظاهری: ۲۴۴ ص

قطع: رقعی

شمارگان: ۵۰۰

چاپ دیجیتال: نوروزی - ناشر برتر سال

شماره شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۲-۳۰۴۲-۷

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۰۲-۳۰۴۱-۰

قیمت: ۲۳۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

مقدمه

پیش گفتار

بخش اول : کلیات ۲۳

فصل اول : جایگاه طب در علوم ۲۵

حکمت و فلسفه

تعریف علم طب

تقسیم بندی علم طب

فصل دوم : تاریخچه طب سنتی ۳۳

دوره قبل از اسلام

دوره پس از اسلام

لزوم فراگیری مجدد طب سنتی

ضرورت احیای طب سنتی (ایرانی و اسلامی) در ایران

جایگاه طب سنتی در دنیای امروز

تقسیم بندی علم طب سنتی

بخش دوم : امور طبیعیه ۵۷

فصل اول: تعاریف و مفاهیم امور طبیعیه ۵۹

امور طبیعیّه

ارکان (عناصر اربعه)

مزاج ها و انواع آن (امزجه)

تعریف مزاج

مزاج حیوانات

مزاج گیاهان

مزاج ساعات شبانه روز

مزاج جنسیتی

مزاج مکان ها

مزاج اعضا

مزاج فصل ها

مزاج سن

اختلاط

اعضا (اندام ها)

ارواح (روح)

قوا

افعال

خلاصه امور طبیعیّه

فصل دوم : مزاج شناسی

مزاج شناسی در طب

ویژگی های مزاجی افراد

ویژگی های افراد با مزاج گرم و خشک (به اصطلاح صفاوی)

ویژگی های افراد با مزاج گرم و تر (به اصطلاح دمی)

ویژگی های افراد با مزاج سرد و تر (به اصطلاح بلغمی)

ویژگی های افراد با مزاج سرد و خشک (به اصطلاح سوداوی)

مقایسه مزاج‌های مختلف یک جامعه

طبع تربیتی

طبع معتدل

طبع مختلط

عوامل محیطی موثر بر مزاج‌های مختلف افراد

عوامل استنشاقی (بوایی)

عوامل شنیداری

عوامل دیداری

عوامل افکاری، گفتاری و رفتاری

رفتارهای زناشویی (غذای جنسی)

اثر جاذبه ماه بر مزاج‌ها و زناشویی

۱۲۵

فصل سوم: کاربردهای مزاج شناسی

یادآوری

نقش مزاج شناسی در تشخیص و درمان بیماری‌ها

نقش مزاج شناسی در عمران و مسکن

نقش مزاج شناسی در مشاغل و انتخاب حرفه

نقش مزاج شناسی در تعلیم و تربیت

نقش مزاج شناسی در ازدواج و زناشویی

نقش مزاج شناسی در جامعه شناسی و سیاست

نقش مزاج شناسی در ورزش

۱۳۳

بخش سوم: اسباب و علل

۱۳۵

فصل اول: اسباب سلامتی

ضروریات سته (شش‌گانه)

۱- هوا

۲- ریاضت و سکون

۳- نوم و یقظه

۴- مأكولات و مشروبات

۵- احتباس و استفراغات

۶- اعراض نفسانی

۱۴۵

فصل دوم : اسباب مرض

اشاره

تعریف مرض

بیماری‌های سوء مزاج

بیماری‌های سوء هیأت ترکیب

بیماری‌های تفرد الاتصال

امراض مرکب

مراحل سیر بیماری

۱۵۵

بخش چهارم : دلایل و علائم

۱۵۷

فصل اول : نشانه شناسی

علامت‌ها و نشانه‌ها

نشانه‌های صحت (علایم مزاج)

نشانه‌های اختصاصی دماغ (مغز)

نشانه‌های اختصاصی قلب

نشانه‌های اختصاصی جگر

نشانه‌های اختصاصی معده

نشانه‌های اختصاصی رحم

نشانه‌های مرض (علائم سوء مزاج یا غلبه اخلاط)

علائم غلبه خلط صفرا

علائم غلبه خلط دم

علائم غلبه خلط بلغم

علائم غلبه خلط سودا

بیماری‌های ناشی از غلبه خلط بلغم (سردی و تری)

بیماری‌های ناشی از غلبه خلط سودا (سردی و خشکی)

بیماری‌های ناشی از غلبه خلط دم (گرمی و تری)

بیماری‌های ناشی از غلبه خلط صفرا (گرمی و خشکی)

۱۸۷

فصل دوم: نبض شناسی (نباضی)

داستان نباضی شیخ الرئيس

تعریف نبض

شرایط بررسی نبض

نحوه معاینه نبض

انواع نبض

عوامل موثر در نبض

۱۹۷

فصل سوم: ادرار شناسی

قاروره

رنگ

بو

شفافیت

قوام

رسوب

زبده یا کف ادرار

حجم ادرار

۲۰۵

فصل چهارم: براز

براز چیست؟

ویژگی های براز طبیعی

بraz غیر طبیعی

مکانیسم تشکیل براز

دلایل براز غیر طبیعی

بraz رقیق القوام

بraz غلیظ و یابس

بraz زرد رنگ

بraz بسیار کم رنگ

بraz اسود (سیاه رنگ)

بraz اخضر (سبز رنگ)

شکل براز

قراقر براز

بوی براز

زبد (کف) براز

وقت براز

فصل پنجم : سایر مندفعات بدن

جستارگشایی

عرق

علت تعریق طبیعی

علت تعریق غیر طبیعی

علل تعریق شدید

علت تعریق کم

شرایط طبیعی که تعریق در آن زیاد است

رنگ و بوی عرق

منابع و کتابنامه

مقدمه

حمد و سپاس بی پایان خداوندی را که خالق آب و خاک و باد و آتش است و پدیدآورنده امتزاج و اخلاط و ارواح کائنات . عالم بی پایانی که پرتوی از شرار علم آسمانی را به قلب شریف‌ترین مخلوقات عالم - پیامبر خاتم(ص) - ارزانی داشت و سپس در سینه اولیای پاک و ائمه اطهار به امانت سپرد، تا راهنمای سعادت جسم و روح و روان بندگانش باشد.

خداوند متعال را شاکرم که دیگر بار توفیق یافتم تا با استقبال خوانندگان محترم کتاب حاضر، ترغیب گرمی به اقدام به چاپ هفتم این مجلد بنمایم. با این توصیف که بعد از انتشار دوازده هزار جلد از این کتاب و با توجه به این که علم طب به ویژه در حوزه *practical medicine* (طب تجربی) علمی پویا و بر پایه تجربیات و اکتشافات جدید بنا شده است، و لازم است تا در هر برحه از زمان، بر حسب تغییرات اقلیمی و نیز بروز بیماری‌های جدید، راه حل‌های مناسبی را بر اساس تجربیات جدید تعریف نماید، لذا لازم دیدم تا پس از گذشت یک دهه از اولین مجلد این کتاب، نسبت به تغییر گسترده مطالب آن به ویژه بر پایه تجربیات جدید و نیز تحصیلات جدید، بالاخص دوره یک ساله آموزش‌های تخصصی وزارت بهداشت در دانشکده طب سنتی همدان اقدام بنمایم.

مقایسه آموزش‌های مؤسسه تحقیقات حجامت ایران با انجمن علمی طب سنتی کشور و دانشکده‌های طب سنتی وزارت بهداشت، ابهامات زیادی را برای دانش پژوهان این عرصه ایجاد نموده است.

تاکید فراوانی که در آموزش‌های مؤسسه تحقیقات بر انجام عمل «حجامت» به عنوان پایه و اساس درمان صورت می‌گیرد، اما در دانشکده‌های طب سنتی وزارت بهداشت، بسیار کمتر به آن اشاره شده، بلکه نیاز به این همه حجامت را غلو درمانی می‌دانند. همچنین، آموزش‌های انجمن علمی طب سنتی که غالباً بر تشخیص "مزاج عمومی" تاکید دارند، تفاوت‌های بارزی دارند با آموزش‌های دانشکده طب سنتی که بیشتر بر پایه "اسباب و علل و مزاج اندام‌ها" بنا شده‌اند.

این ابهام و سرگردانی به وضوح در تقابل‌های علمی در سمینارهای مختلف طب سنتی کشور، بین اساتید فن مشاهده می‌شود که بعضاً موجبات دلسردی پژوهشگران را فراهم کرده است.

لذا بر آن شدم تا به عنوان طبیبی که با سابقه بیست سال فعالیت در این عرصه - که از آموزش‌های هر سه منبع آموزشی مذکور به لطف خداوند بهره‌مند گردیده‌ام - ضمن حذر از اختلاف‌ها، نقاط مشترک قدرتمند و کم‌نظیر این دوره‌های آموزشی را در چاپ هفتم این کتاب بگنجانم.

سیاق آموزش مفاهیم را آن گونه در فهرست گنجانده‌ام که فهم آن هم برای افراد غیر پزشک و کسانی که می‌خواهند از این طب به طور عام بهره‌مند شوند، ساده و آسان گردد، و هم برای دانش پژوهان و پزشکان عزیزی که قصد ورود به دنیای طب سنتی را دارند، به طور کلاسیک و طبقه بندی شده

مطرح شود، تا از همان ابتدا دچار تشویش ذهن و پراکندگی و اغتشاش مطالب نگردند. اهتمام حقیر در این کتاب بر آن بوده که هر گفتار آموزشی در جایگاه مکانی و زمانی خاص خود بیان شود و مطالب لازم و پیش زمینه‌های آموزشی - تخصصی حتماً در اولویت باشند؛ همچنین جایگاه معنوی برخی از گیاهان دارویی و روش‌های درمانی را نیز خاطرنشان کنم. چرا که سرچشمه‌های جاری علوم لدنی، افق دید اطباء را با منابع وحی آشنا می‌کند. اگرچه معتقدم که مکتب جداگانه‌ای به نام "طب اسلامی" و یا "طب ایرانی" نداریم. نزاع بیهوده‌ای که در میان بسیاری از فعالان عرصه طب سنتی در جریان است، چه بسا ناخواسته آب به آسیاب بدخواهان این طب ریخته است.

برخی ذهنیت‌های اشتباه باعث شده که نمایانگاه تعدادی از طلاب علوم دینی به بهانه "طب اسلامی" به عرصه درمانگری وارد شوند، بدون این که در باره علم بدن و آناتومی و تشریح خوانده باشند، و یا به فیزیولوژی بافت‌های بدن آشنا باشند.

از سوی دیگر برخی از پزشکان طب رایج نیز با گذراندن دوره‌های تخصصی *ph.D* دانشکده‌های وزارت بهداشت، به بهانه (طب ایرانی) با همان ذهنیت پزشکی (نه حکمت)، حضور حکما و علمای اهل را در حوزه درمانگری برنمی‌تابند؛ و در حالی که مغزشان از محفوظات و مکتوبات کهن انباشته گردیده، توانایی انعطاف‌پذیری نسبت به تجربیات جدید - به ویژه در دهه‌های اخیر که عرصه طب از حضور پزشکان خالی بوده و اغلب به نگارش حکمای اهل فن در آمده‌اند - را ندارند.

به باور این حقیر که تاثیر شگرف خدمات متقابل «اسلام و ایران» را در حوزه «طب سنتی» مشاهده نموده، در حد بضاعت توان درک نموده‌ام. هم روش‌های طبی متون کهن طبای حکیم و هم روش‌های توصیه شده بهداشتی در روایات و احادیث دینی، مقابل تعمیم به شرایط کنونی جامعه و قابل استدلال در مواجهه با بیماری‌های عصر جدید می‌باشند.

امید آن که در ظل استعانت قدرت لایزال الهی، این نزاع‌های بیهوده پایان یافته، زیر بیرق طب سنتی که آمیزه‌ای از تجربیات اطباء ایرانی و بینش اعتقادی علمای اسلامی است، در جهت اهداف و آرمان‌های اصلاح سبک زندگی گام برداریم.

دکتر علی محمد ملاحی

پایان ۱۴۰۲ هـ. ش

www.ketab.ir

پیش‌گفتار

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.»^۱

«منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.» یکی از نعمت‌های بی‌شمار و لایتناهی خداوند تبارک و تعالی، نعمت فرصت‌هاست، و مهم‌تر از آن نعمت غنیمت شمردن فرصت‌هاست. گاهی همه ابزارها و تجهیزات لازم برای انجام امری مهیاست، اما فرصتی نیست تا به سرانجام آید. گاهی نیز فرصت‌های بسیار در زندگی روزمره پیش روی آدم‌ها قرار می‌گیرد، اما توفیق غنیمت شمردن فرصت‌ها نصیب هرکس نمی‌شود.

پروردگار عالم را شاکرم، از آن سبب که نعمت فرصت تماشای عمل حجامت را در دوران طفولیت، و در گرمابه عمومی روستای کوچکمان به من ارزانی داشت، و ذهن کودکانه مرا به کنکاش در آن رهنمون ساخت. دیدن تصاویر صحنه حجامت، اگر چه در آن زمان برایم مشمئزکننده بود، اما در سال‌های متمادی بعد، حس کنجکاوی مرا بر می‌انگیخت.

در تمام سال‌هایی که با عشق به طبابت، دوران مدرسه ابتدایی و متوسطه را طی می‌کردم، طبیب را فردی دانشمند، معتمد، دوست داشتنی، امین جان و

مال و ناموس مردم، دلسوز و آگاه به وقایع پیرامون، و به طور کلی، فرشته‌ای مهربان می‌دیدم و آرزوی داشتن چنین لیاقتی را در سر می‌پروراندم. چرا که صفات اخلاقی حجام و طبیب روستای کوچکمان اینچنین بود و مورد احترام و تکریم همه اقشار مردم، از جمله متمولین و دلالان و زارعین، کارکنان دولتی و کودکان کوچه و خیابان بود.

سال‌ها بعد علی‌رغم حضور چهره‌های موقر و محبوب در بین دانشجویان و همکاران خویش، متأسفانه عطر و بوی طبّ و حکمت را در کلینیک‌های درمانی نمی‌دیدم و گمشده خویش را در سالن‌های مجلل و سمینارها و میتینگ‌های کله‌شبه‌ای دانشگاه، نمی‌یافتم. تحقیقات فرمالیته نیز، در پایان‌نامه‌هایی که تنها برای بیلان کار اساتید معرفی می‌شدند و جز فتوکپی ارزش دیگری نداشتند، روح پرسشگر مرا ارضاء نمی‌کرد. آنجا که حتی بر زبان آوردن پرسش‌های نهفته در عقاید کودکان من از «حجامت»، هم مضحک و خنده‌آور بود و هم مورد مؤاخذه اساتید و پوشکان قرار می‌گرفت. احساس می‌کردم در این فضای به ظاهر آزاد علمی! خفه می‌شوم و هرکه نخواهد به تقلید کورکورانه و بدون تحقیق از رفرانس‌های مورد وثوق غربی بپردازد، مورد اتهام بی‌سواد بودن و یا متحجر بودن قرار می‌گیرد.

همیشه سؤالات دوران کودکی و نوجوانی من بی‌پاسخ ماند و ماند: حجامت یعنی چه؟ چرا آن همه حجامت در حمام عمومی روستایمان انجام می‌شد؟ چرا در روزهای عید نوروز جمعیت زیادی از شهرهای اطراف به روستایمان می‌آمدند که حجامت کنند؟ چرا علی‌رغم این همه بوق و کرنا برای ارتقای سطح بهداشت جهانی، سال‌هاست که پیرمردها و پیرزن‌های ۱۲۰ ساله

نمی‌بینیم؟ کوزه انداختن های مادر بزرگ و پدر بزرگ برای چه و چگونه بود که به وسیله آن قولنج‌ها و دردهای همسایه‌ها را درمان می‌کردند؟ چرا در تمام دوران مدرسه ابتدائیم، دانش آموزی با علائم آسم و آلرژی ندیدم، همچنان که هیچ کدامشان شیرخشک هم نمی‌خوردند؟ اما اکنون آسم و آلرژی در همان مدرسه ابتدائی شهر کوچکمان^۲ بیداد می‌کند! چرا روی زخم‌ها و جراحاتمان در زمین های کشاورزی، برگ گیاه و خاک می‌بستند و آحدی از همسن و سالان خودم را در طول آن سال‌ها، مبتلا به کزاز نیافتم؟ و چراهایی دیگر...

تحصیل در جوار بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع) توفیق دیگری بود که نصیب من شد و حرم مطهرش محل آشنایی من با یکی از پزشکان عزیزی شد که به سؤالات من پاسخ گفت. جوان بود و با نشاط و مؤمن؛ روی فرش حیاط حرم رضوی نشسته بودم و منتظر قرائت دعای کمیل. طلبه پزشک بود و علاوه بر دانش پزشکی، به علوم حوزوی نیز اشراف داشت. با هر جمله ای که در پاسخ سؤالاتم می‌گفت، گویی خون تازه ای در رگ‌های سرد من، حیات را تزریق می‌کرد. به طب سنتی آگاه بود و حجامت را در درمانگاه آیت الله شیرازی مشهد، بر من رهنمون ساخت و سپس مرا به مؤسسه تحقیقات حجامت ایران - در تهران - معرفی کرد. در آنجا اساتیدی حکیم و طبیبانی فرزانه یافتم. ریش سفیدها و جوانترها و مجموعه ای از مقالات و تحقیقات - اگرچه ابتدائی، اما در حال رشد و بسط -

۲- آن روستای بزرگ اکنون شهری کوچک است

را مشاهده کردم. (البته در سال ۱۳۸۰، چرا که اکنون تحقیقات بسیار گسترده‌تر، علمی‌تر و جامع‌تر گردیده است). پزشکان متعهدی که سال‌ها قبل از ما رنج و طعب فراوان دیده تا بدانجا رسیده بودند. فقدان حمایت قانونی و فرهنگ غرب‌زدگی و جهل به طب سنتی، از جمله بزرگترین موانع پیش‌رویشان بود که یکی را پس از دیگری از سر راه بر می‌داشتند.

فضای عطراگین مؤسسه، چهره‌های نورانی پزشکان، تبسم‌های همیشگی طبیبان و همکاران، و حضور گسترده و ازدحام مردم برای درمان به روش طب سنتی در درمانگاه مؤسسه حجامت، آن چنان سعه صدری به من بخشید که نه تنها احساس "یافتن" داشتم، بلکه مصمم به گام نهادن در جهت تکمیل و توسعه طب سنتی گردیدم.

مشهد مقدس، تجربیات فراوانی از مراجه‌های گوناگون قومیت‌های مختلف خراسان را به من ارزانی داشت. پس از آن، چهار سال طبابت در استان سیستان و بلوچستان، بخصوص شهرستان خاش و مشاهده موفقیت‌های چشمگیر در درمان بیماری‌های مزمن و پرهزینه، شوق و شغف وصف ناپذیری را در من ایجاد نمود.

اگر چه همچنان از گزند خطاریه‌ها و هشدارهای مسئولین سیستم بهداشت و درمان و نیز نیشخندها و طعنه‌های همکاران (که البته همه اینها به خاطر عدم آگاهی‌شان از طب سنتی بود)، در امان نبودم، اما وقتی بر پرونده‌های بیماران مزمن و صعب‌العلاجی که در مطبم درمان شده بودند، افزوده می‌شد، خستگی‌ها و دل‌شکستگی‌هایم را به دست فراموشی می‌سپردم.

تصاویر قربانی گوسفند در جلوی مطب، همراه با صدای صلوات و دود اسپند و اشک های شوق مرد نازیبی (آزواسپرم) که پس از یازده سال درمان ناموفق به روش طب غربی (دارو، جراحی و...) در تهران، مشهد و یزد، اما با چند ماه حجامت و زالودرمانی و بادکش های نقاط مختلف و داروهای گیاهی و اصلاح تغذیه سنتی، تبدیل به مردی توانمند و زایا شد، (شمارش اسپرم نرمال) و تولد نوزادش به نام امیرمحمد، آن چنان زمزمه ای در محافل پزشکی شهرستان ایجاد کرده بود که بعدها زمینه آشنایی شان را با طب سنتی فراهم آورد. چنان که روز به روز بر تعداد پزشکان کنجکاوی که به مطب مراجعه می کردند و از نزدیک با نحوه درمان به روش طب سنتی آشنا می شدند، افزوده می شد.

پس از چهارسال طبابت در بین مردم راجور و در عین حال خونگرم قومیت های بلوچ و سیستانی و علی رغم ازداد قومی که به آنها داشتم، در سال ۱۳۸۵ به زادگاهم مراجعه کردم و اقدام به تأسیس کلینیک طب سنتی در مرکز استان گلستان نمودم.

اگرچه با مشکلات مذکور قبلی مجدداً مبارزه می کردم، و بارها و بارها توسط سیستم بهداشتی درمانی کاملاً غربی مورد مؤاخذه، تنبیه و اختطاریه های مختلف قرار می گرفتم و به تعزیرات و دادگاهها مختلف کشانده می شدم، لیکن ازدحام مراجعین و حمایت های مردم مهر تائیدی بر صدق خدمات شایان طب سنتی زد.

آنجا که افراد متعدد کاندید آمپوتاسیون (قطع عضو) اندام تحتانی به علت دیابتیک فووت (Diabetic Foot)، با زالو درمانی به طور کامل بهبود یافتند؛

و بیش از ده‌ها پرونده درمانی موفق بیماری‌های صعب‌الاعلاج مثل دیابت، پسوریازیس، اتوایمیون‌ها و... که به صورت مکتوب و مصور مستندسازی می‌شدند، جای هیچ گونه شک و شبه‌ای در مخاطبین نگذاشت که راهی را که همه ما گم کرده بودیم باز شناختیم، پس بیش از این درنگ جایز نیست.

چندی بعد - به مصداق این فرمایش گهربار مولای متقیان علی(ع) که فرمود: «زکات علم نشر آن است» - در کنار فعالیت های درمانی اقدام به تأسیس مؤسسه آموزشی - پژوهشی طب الرضا(ع) گلستان نمودم، و به تعلیم همکاران مشتاقی همت گماشتم که با نیت خالص قدم در این راه گذاشته بودند، و پس از تعلیم و آموزش شاگردان متعدد، آنها را برای تحصیلات تکمیلی به مؤسسه تحقیقات حجامت ایران معرفی کردم.

همکاری با دانشجویان علاقمند در زمینه پایان‌نامه‌های تحقیقاتی شان، طلاب و روحانیت محترم و با نیروهای مسلح حاضر در منطقه جهت ارائه خدمات درمانی برای جانبازان شیمیایی، و گسترش تحقیقات در این زمینه، و نیز همکاری با نشریات و سیمای گلستان، و همکاری آموزشی با جهاد دانشگاهی استان گلستان و مراکز تحقیقاتی دانشگاهی استان از جمله فعالیت‌هایی است که در مرکز طب سنتی گلستان انجام می‌گیرد.

در این مجلد بر آن شدم تا با آموزش مفاهیم اولیه طب سنتی به زبان ساده، گوشه‌ای از روش‌های درمانی بیماران مراجعه کننده به کلینیک را به اطلاع علاقمندان طب سنتی برسانم. باشد که قدم کوچکی در راه اعتلا و پیشبرد توسعه و گسترش طب سنتی، به ویژه حجامت برداشته باشم.

لازم است تا قبل از هر چیز کمال تشکر و امتنان وافر خویش را به همه

عزیزان دلسوز و متعهدی که در این راه پر فرازونشیب حمایت‌های معنوی خویش را از اینجانب دریغ نکرده، بلکه پشتیبانی موثر و ارزشمند برای فعالیت‌های این حقیر و مجموعه همکارانم بوده اند، ابراز نمایم.

از اساتید بزرگوار و فرزانه‌ای چون حکیم حسین خیراندیش و جناب آقای دکتر غلامرضا کردافشاری و سرهنگ پزشک رضا منتظر گرفته تا مسئولین محترم قوه قضائیه که با درک صحیح از علم و حکمت همراهی و پشتیبانی کم نظیری از اینجانب داشته‌اند و علمای دینی و نیز رسانه ملی و صدا و سیما که حمایت‌های رسانه‌ای کاملاً بجا و در جهت اصلاح سبک زندگی مردم از این حقیر و مجموعه‌ی همکارانم را داشته‌اند.

همچنین از شما خواننده‌های عزیز هم می‌خواهم که با تأمل و تفحص صادقانه، پیشنهادات و انتقادات خویش را از ما دریغ نفرمائید.

رجاء واثق دارم که در پرتو عنایات لایزال پروردگار، دورنمای روشن طبّ ستّی نزدیک و نزدیک‌تر خواهد شد و به مصداق آیه شریفه: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ . وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجاً»^۳، نصرت و پیروزی فراگیر خواهد گشت.

دکتر علی محمد ملّاحی

بهار سال ۱۴۰۲ هـ.ش